

میان شریک شدن نرین کشورهای تقسیم شده است. "باین معنی که تقسیم در میان حکومتها" بطور کامل صورت گرفته است. و اتفاقاً در نتیجه این وضعیت است که مبارزه برای تقسیم جدید دنیا، تند تند خاصی پیدا میکند و شدت خاص صادرات منجر به جنگ میگردد.

در طرح رفیق س. این مطلب با کلمات بسیار زیادی که از لحاظ ثنویت کمتر صحیح میباشند، بیان شده است. من بلافاصله فرمولندی او را نقل خواهم کرد ولی از آنجا که این فرمولندی شامل مسئله تقسیم اقتصادی جهانی نیز میشود لذا بایستی قبلاً این آخرین خصیصه امپریالیزم را نیز بررسی کرد. این خصیصه در طرح من چنین فرمولندی شده است:

"... تقسیم اقتصادی جهان میان ترانتهای بین الطلی آغاز شده است. و ارقام اقتصاد سیاسی و آثار مربوطه برای ما مقدور نمیآید که بیشتر در این باره صحبت کنیم. این تقسیم جهان پیرویه بسیار مهمی است که تازه شروع شده است. بعلمت این تقسیم جهان و در اثر این تقسیم جدید است که بحکم پایان تقسیم قلمروها یعنی بمجرد آنکه دیگر کشور "آزاد"ی وجود نداشته باشد که بتوان بدون توسل بحنگ انرا تسخیر نمود. جنگ امپریالیستی برآه میآید. و حالا میرد ازیم به فرمولندی رفیق س.:

"اما حیطة نفوذ مناسبات سرمایه داری، در انجا بیشتر بحارج بسط میآید و موجب گسترش آن به کشورهای جدیدی میشود که از طریق سازمانهای انحصاری سرمایه داری، بازار کالا، وسیع مواد خام، منطقه سرمایه گذاری برای سرمایه صادراتی ایکه در جستجوی سود اضافی میباشند، تشکیل میدهند. اسوه عظیمی از ارزش اضافی ایجاد شده - که در اختیار سرمایه مانی (محمول آمیزش سرمایه های بانکی با سرمایه های صنعتی) قرار دارد - بازار جهانی ریخته میشود. سابقه سازمانهای سرمایه داری پیرونده طی که گاهگاهی بر نظیر بین الطلی سازماندهی شده اند، برای تسلط بر بازار و بسط و تصاحب و کنترل قلمروهای کشورهای صنعتی بعضی بحاطر حفظ حق الوبت برای اعمال بی پروایانه ستم، بطور گریزناپذیری صحر به کوششهایی برای تقسیم دنیا میان رونقترین حکومت های سرمایه داری جهان و نتیجتاً جنگهای امپریالیستی میگردد که ناعت بد معنی، اوراسی و باسایامی عمومی میشود. در اینجا با مقدار زیادی کلمات سروکار داریم، کلماتی که یک سلسله استیلاها، شورک را از نظر پیمان خود دارد. میتوان از "کوششهایی" برای تقسیم دنیا صحبت کرد، زیرا دنیا تاکنون تقسیم نشده است. جنگ ۱۹۱۷ - کوشش برای تقسیم دنیا" سبب بلکه مبارزه ایست برای تقسیم جدید دنیائی که تاکنون تقسیم نشده است. جنگ برای سرمایه داران، احتیاجی است بر شده بود زیرا امپریالیزم، سالها قبل دنیا را با اصطلاح بر نامه معیار سروهای تقسیم کرده بود. و این جنگ بحاطر "تصحیح" است.

مبارزه بر سر صنعتها (بر سر "کشورهای تازه") و همعین موارد برای تصاحب قلمروهای کشورهای صنعتی، تمام استیلاها را امپریالیزم بر وجود داشته است. وجه مشخصه امپریالیزم امروزی جنگ است. معنی است که در آغاز قرن بیستم تمام کره زمین بوسیله آن سال دولت تصاحب شده و دنیا تقسیم گشته بود. و بعد از آن حرب بود.

که تقسیم جدید "سلطه بر دنیا" بر اساس سرمایه‌داری، بطریق دیگری جز نهیل به جنگ جهانی ممکن نبود. حتی - سازمانهای سرمایه‌داری ای که بطور بین‌المللی سازماندهی شده بودند، قبل از امپریالیسم وجود داشتند. هر شرکت سهامی ای که با شرکت سرمایه‌داری کشورهای مختلف بوجود آمده باشد، سازمان سرمایه‌داری ایست که بطور بین‌المللی سازماندهی شده است.

وجه مشخصه امپریالیسم چیز دیگری است چیزی است که در گذشته، یعنی قبل از قرن بیستم وجود نداشته است یعنی اینکه تقسیم اقتصادی جهان میان ترانسپهای بین‌المللی و تقسیم کشورهای جهان به بازارهای فروش که به موجب قرارداد ارثائی صورت گرفته است، و اتفاقاً اینها مطالبی هستند که در طرح رفیق سر به بیان شده‌اند و این ترتیب قدرت امپریالیسم ضعیفتر از آنچه هست توصیف شده است.

و بالاخره از لحاظ تئوریک غلط است که گفته شود "انبوهی ارزش اضافی انباشته شده به بازار جهان ریخته میشود" این خیلی نسبتاً تئوری تحققی [بدست آوردن سرمایه] پروردن است که طبق آن سرمایه‌داران - میتوانند باسانی هم سرمایه ثابت و هم سرمایه متغیر را بدست آورند ولی برای بدست آوردن ارزش اضافی با مشکلاتی روبرو میباشند. در واقع سرمایه‌داران نه ارزش اضافی نه سرمایه ثابت و سرمایه متغیر را میتوانند بدون مشکلات و بحرانها بدست آورند. آنچه کالاهائی که به بازار آورده میشوند نه تنها بیانگر ارزش انباشته شده میباشند بلکه بیانگر ارزشی که از نو، سرمایه ثابت و متغیر میسازد، نیز میباشند. مثلاً انبوهی از خطوط راه آهن یا آهن به بازار جهان آورده میشوند که بصورت مبادله در مقابل وسایل مصرفی کارگران و پاساژر وسایل تولید (چوب، نفت و غیره) بدست آورده میشوند.

## ۶

در خانه تجزیه و تحلیل طرح رفیق سوکولنیکف، مجبوریم بویژه، پیشنهاد تکمیلی بسیار بر ارزشی را که او طرح نموده است، ذکر کنیم و به عقیده من باید آنرا پذیرفت و حتی بسط داد، باین معنی که او پیشنهاد میکند که درینده مربوط به پیشرفت تکنیک و استفاده روز افزون از کارزنان و اطفال، باید اضافه شود که: "چگونه از کار کارگران خارجی غیرمحصی که از کشورهای عقب افتاده وارد میشوند" (استفاده مکرر). این یک پیشنهاد تکمیلی بر ارزش و لایم است و اتفاقاً یکی از خعایع امپریالیسم اینگونه بهره‌کشی از کارگران ارزان قیمت کشورهای عقب افتاده میباشد. اتفاقاً زندگی انگل وار کشورهای ثروتمند امپریالیستی تا حدودی بر پایه آن بنا شده است که با پرداخت دستمزدها بالاتر، به بخشی از کارگران خود رشوه بدهد، در حالیکه همزمان با آن کارگران "ارزان" خارجی را بی حد و حصر و بشهرمانه استثمار میکند. در اینجا کلمات "آنها" دستمزدها کمتر بگیرند" و همچنین کلمات "کسانیکه اکثراً" نقد حقوق میباشند" بایستی اضافه گردد زیرا استثمارگران کشورهای "متمدن" همواره از این کیفیت - که کارگران خارجی ارزانتری نقد حقوق میباشند - استفاده میکنند. این موضوع فقط مربوط به آلمان و در رابطه با روسیا یعنی کارگرانی که از روسیه به آنجا سفر میکنند نبوده بلکه همچنین در سوسیالیستهای اروپا

و در فرانسه شامل اسپانیائیه و ایتالیائیه نیز میشود .

شاید صحیح تر آن باشد که موقعیت ویژه چند کشور ثروتمند امپریالیستی - که بوسیله چپاول مستعمرات و  
 ملت‌های ضعیف ، انگل و آری برثروت خود میافزایند - باشد تا و صراحت بیشتری بیان گردد . این يك خصیصه  
 بنیهایت مهم امپریالیزم است که همتا " تا حدودی بوجود آمدن جنبش‌های صیقل انقلابی را در این کشورها تسهیل  
 مینماید ، کشورهای که قربانی تاراجگریهای امپریالیستی بوده و در معرض این خطر قرار دارند که بوسیله غول‌های  
 امپریالیستی ( از قبل رهبر ) تقسیم شده و بهر دگر گرفته شوند . و این خصیصه ایست که از سوی دیگر تا حدودی  
 بوجود آمدن جنبش‌های صیقل انقلابی را در کشورهای که مستعمرات و کشورهای بیگانه فراوانی را بنحویه امپریالیستی  
 قارت میکند - دشوار میسازد ، این ترتیب ، بخش ( نسبتاً ) بسیار بزرگی از مردم این کشورها را در خوان بختی تقسیم  
 امپریالیستی شریک میسازد .

با این جهت من پیشنهاد میکنم که مثلاً در آن قسمت از طرح من که خصیصه سوسیال شونیسم را تشریح میکند  
 ( صفحه ۲۲ رساله ) ، این استثنای يك سلسله از کشورهای بوسیله کشورهای ثروتمند ، تذکر داده شود . بنابراین  
 قسمت مربوطه طرح باین صورت درخواهد آمد :

" چنین تصویر شکی ، آری یکسو جریان سوسیال شونیسمی است که در حرف سوسیالیستی و در عمل شونیستی  
 بوده و دفاع از منافع چپاولگران بهره‌روانی ملی آن ، در جنگ امپریالیستی نهفته است و دفاع از موقعیت ویژه اتباع  
 کشورهای ثروتمند - که بوسیله تاراج مستعمرات و ملت‌های ضعیف ، عواید عظیمی بجنگ میآورند - در شمار " دفاع از  
 سرزمین پدری " لحاظ میشود . از سوی دیگر يك چنین تصویر شکی ، همچنان اندازه يك جریان گ " یافته و انترناسی-  
 سیونال " ستروم " است و غیره .

امانده کردن کلمات " در جنگ امپریالیستی " بعلمت دقیق بودن بیشترش ضروری است : از طرف دیگر " دفاع  
 از سرزمین پدری " چیزی جز يك شمار برای توجیه جنگ و پذیرفتن ضحایه و بیحق بودن آن نیست . جنگ‌های مختلفی  
 وجود دارند . جنگ‌های انقلابی نیز میتوانند وجود داشته باشند و این جهت باید با دقت مطلق گفته شود که در اینجا  
 اتفاقاً سخن بر سر جنگ امپریالیستی است . این درخواه طلب نهفته است ولی برای آنکه از تعبیرات سوء جلوگیری  
 شده باشد ، این موضوع باید روشن و با صراحت بیان گردد .



حالا از بخش عمومی و تقویم برنامه میگذریم و میگردیم به برنامه حداقل :

در اینجا بلافاصله با پیشنهاد بظاهر " بسیار افراطی " ولی بسیار نامعقول رفیق ن . بوخارین و و .  
 سمونوف - منبر اینک برنامه حداقل ، اصولاً حذف شود ، مواجه میشوم . [ اینها معتقدند که ] تقسیم برنامه  
 يك برنامه حداکثر و يك برنامه حداقل " منسوخ شده است " و وقتی موضوع گذار به سوسیالیزم در میان است ، دیگر  
 چه نیازی باین تقسیم وجود دارد . برنامه حداقل باید کنار گذاشته شود و باید برنامه اقدامات مربوط به گذار به

سوسیالیسم مطرح گردد .

این پیشنهاد دوروی نامرده است که بد لایلی سواسته اند تصمم بگیرند که طرحی در این رابطه ارائه بدهند ( اگرچه این واقعیت که تعدد نظر در برنامه حزب که در دستور کار کنگره آینده حزب قرار داشته ، اتفاقاً این رفا را موظف میساخته است که چنین طرح را تهیه کنند ) .

شاید خودبانیان اصلی این پیشنهاد ظاهرآ " امراطی " ، چهار تردید شده اند . . . . . بهر حال باید در مورد نظریات آنان بحث کرد .

جنگ ویرانی ، تمام کشورهای را محصور میکند که از سرمایه داری انحصاری به سرمایه داری انحصاری دولتی روی بیاورد . این وضع عینی است . اما در شرایط انقلابی و در یک انقلاب ، سرمایه داری انحصاری دولتی ، بطور بلاواسطه ای مبدل به سوسیالیسم میشود . در اغلب زمینها بدون گام برداشتن بسوی سوسیالیسم ، کاری از پیشبرد . این وضع عینی است که در اثر جنگ و انقلاب وجود آمده است . کنفرانس آوریل ، موقعیت آمیز بود . باین معنی که شعارهای " جمهوری شوراهای " ( شکل سیاسی دیکتاتوری پرولتاریا ) و ملی کردن بانکها و سندیکاها ( بهترین اقدامات مرحله گذار بسوی سوسیالیسم ) را مطرح ساخت . تا اینجا ، تمام بانکها وحدت نظر دارند . اما رفیق و سمیرنوف و ن . بوخارین میخواهند از اینهم بیشتر بروند و برنامه حداقل را کاملاً حذف نمایند . این یعنی آنست که بر خلاف اندررمانوف ضریحاً حکیماًه زیر رفتار کنیم که : " وقتی بیدار جنگ سرورولانین ، بلکه تازه وقتی که از میدان جنگ بر میگرددی بحودت بهال ! " .

ما بیدار جنگ قدم میگذاریم یعنی اینکه ما برای قیسه کردن قدرت سیاسی بسویله حزبمان می جنگیم . این قدرت ، دیکتاتوری پرولتاریا و دهقانان فقیر است . وقتی این قدرت را همه کردیم ، از آن وحشت نخواهیم داشت که از چارچوب نظام بورژوازی یا فرانس بگذاریم ، بلکه برعکس ، ما آشکارا ، مستقیماً ، باصراحت و با وضوح کامل میگوئیم که ما از این چارچوب یا فرانس خواهیم گذشت و بدون بیم و هراس بسوی سوسیالیسم گام بر خواهیم داشت و راه خود را درست از طریق جمهوری شوراهای ، ملی خواهیم کرد ، از طریق ملی کردن بانکها و سندیکاها ، کنترل کارگران و احیای طبقه عمومی ، ملی کردن زمین ، صادره اموال اربابان ملک و غیره و غیره . و این مفهوم در رابطه با اقدامات مربوطه گذار به سوسیالیسم برنامه ای ارائه دادیم .

ولی ما اجازه نداریم بهنگام قدم گذاشتن به میدان سرد لای برسیم ، ما اجازه نداریم ، برنامه حداقل را حذف کنیم ، زیرا این کار منافی با لای ردی میان نمی است . ما میخواهیم هیچ چیز " از خوروازی تقاضا کنیم " بلکه میخواهیم خودمان همه چیز را تحقق بچنینیم . ما میخواهیم به موضوعات جزئی در درون چارچوب نظام خوروازی سرداریم .

این لای ردی است میان ما و برابرا اندا باید قدرت را قیسه کرد ، ولی ما هنوز آنرا قیسه نکرده ایم . اندا باید اقدامات در دوران گذار بسوسیالیسم عملاً انجام بگیرند و انقلاب ما باید تا پیروزی انقلاب سوسیالیستی

جهانی پیش برود و تاره آنوقت است که میتوانیم و بایستی "بهنگام بیرون آمدن ارمدان نبرد" برنامه حداقل را بعنوان موضوعی که حالا دیگر باید میباشد، هدف کنیم .

آیا اکنون میتوان این تصمیم را بگردن گرفتن گرفت که برنامه حداقل، در گزینش "مسلما" نه، و پاس دلیل ساده که ما هنوز قدرت را قبضه نکرده ایم و هنوز سوسیالیسم را تحقق بخشیده ایم، آری حتی به نقطه شروع انقلاب سوسیالیستی نرسیده ایم .

باید با پشتکار و مصبرانه و بدون تزلزل در راه این هدف کوشید، اما سحره است که گفته شود، بایست هدف رسیده ایم، در حالیکه کاملا عیان است که هنوز بآن نایل نشده ایم . هدف برنامه، در حال حاضر بمعنی اعلام کردن و ابراز داشتن ( و بکلام ساده تر این لاف زنی است که ) " ما پیروز شده ایم " .  
نه، دفاعی عزیز، ما هنوز پیروز نشده ایم .

و نمیدانیم که آیا ما فردا یا دیرتر از آن پیروز خواهیم شد . ( من شخصا " مایلیم معتقد باشیم که این پیروزی فردا خواهد بود . من این تصور را در ۱۶ اکتبر ۱۹۱۷ مینویسم و اعلام میدارم که ما میتوانیم قبضه کردن قدرت را بتأخیر بیاندازیم . اما با وجود همه این حرفها، فردا، فرداست و امروز نیست . ) ما نمیدانیم چه مدت بعد از پیروزی ما، انقلاب در غرب صورت خواهد گرفت . ما نمیدانیم که آیا بعد از پیروزی ما، دوره های موفقی ارتجاع و پیروی ضد انقلاب پیش خواهد آمد - این امر هیچ وجه غیر ممکن نیست - و این جهت وقتی ما پیروز شویم يك "خط دفاعی سه گانه" در برابر این امکانات بوجود خواهیم آورد .

ما از هیچکدام از این موضوعات، چیزی نمیدانیم و نمیتوانیم هم بدانیم و هیچکس نمیتواند بداند . و بایست جهت سحره است که برنامه حداقل را حذف کنیم و نازمانیه ما هنوز در چارچوب نظام بورژوازی زندگی میکنیم، تا زمانی که ما هنوز این چارچوب را درهم نشکستهایم، تا زمانی که شالوده گذار به سوسیالیسم را سرنگ نمانیم، در تمام ( یعنی بورژوازی ) را بزنیم و دریاوردیم و بعد از آن در آوردن، نباید بگردیم، تا آن زمان، این برنامه حداقل لازم میباشد . تمام اینها صورت خواهد گرفت و شاید هم خیلی زودتر از آنچه ما معتقدیم . ( من شخصا "عده" دارم که فردا باید شروع شود ) ولی این فردا هنوز فرا نرسیده است .

حالا برنامه حداقل را در زمینه امور سیاسی بررسی می کنیم . این برنامه برای يك جمهوری بورژوازی در نظر گرفته شده است و ما بآن اضاافه میکنیم که ما خود ما را در این چارچوب محدود نمیکیم بلکه بلافاصله برای نوع عالیتری از جمهوری - جمهوری شوراها - مبارزه خواهیم کرد . این کار را باید کنیم . ما باید تا نام شوراها و مصفاة بسوی جمهوری حذف، کام برداریم و من رجا و اتاق دارم که انفاقا ما بیم که این کار را خواهیم کرد . اما برنامه حداقل به هیچوجه نباید حذف شود، زیرا اولا " جمهوری شوروی هنوز وجود ندارد، مالا " تلاشهای مربوط به احیای سلطت، هنوز متوقف شده اند و ابتدا باید این تلاشها را حسی کرد و آنها را ارسی کرد . مالا " ( همانطور که این روزها " راجوسی پوت " در رسی مدکر شده است ) در مرحله گذار از سیسم حذف، موفا امکان

"سیستم مرکب" وجود دارد، مثلاً "جمهوری شوروی توام با مجلس موسسان" [ نگاه کنید به صفحات ۱۱ و ۱۰ ]  
جلد ۲۶ آثار لنین [ وقتی همه اینها را پشت سر گذاشتیم، آنوقت فرصت آنرا خواهیم داشت که برنامه حداقل  
را حذف کنیم.

همین مطلب در زمینه اقتصادی نیز صادق است. همه ما در این باره وعدهات نظر داریم که تریس از گام  
برداشتن بسوی سوسیالیسم، در وقت انگیزترین و بزرگترین خیانت به امر پرولتاریاست. همه ما در این باره وعدهات نظر  
داریم که بهترین قدمهای اولیه در این راه، اقداماتی نظیر ملی کردن بانکها و سندیکاهاست. ما ابتدا این اقدامات  
خاصه نظایر آنرا بعمل میآوریم و آنوقت در مورد بقیه مسائل اقدام خواهیم کرد. آنوقت روشن تر خواهیم دید، زیرا  
تجربه عملی - که میلیونها مرتبه بیشتر از بهترین برنامه ارزش دارد - بطور بی حد و حصری افق دید ما را وسیعتر  
خواهد ساخت. ممکن و حتی محتمل است، آری بدون تردید امکان آن وجود دارد که در اینجا نیز بدون "سیستم  
مرکب"، مرحله گذار میسر نباشد، در این صورت میتوانیم مؤسسات کوچکی را که یک پار و کارگزار چینی دارند بحال خود  
بگذاریم. نه آنها را بلافاصله ملی کنیم و نه آنها را مستقیماً تحت کنترل کارگری قرار دهیم. چه بسا که نقش آنها بمنیاب  
بیت کر چک باشد، چه بسا که در اثر ملی کردن بانکها و تراستها، دست و پای آنها بسته شده باشد و چه بسا تمام  
اینها وجود داشته باشد. اما تا زمانی که حتی فقط گوشه کوچکی موجود باشد که مناسبات پرورشی در آن ادامه  
داشته باشد، بجهت بایستی برنامه حداقل حذف گردد؟ ما بعنوان مارکسیستهایی که جسورانه بزرگترین انقلاب  
جهان را به پیشروی میدهیم و در همین حال هشدار از روی واقعیات حساب میکنیم - حتی ندانیم که برنامه حداقل را  
حذف کنیم.

اگر بخواهیم در حال حاضر برنامه حداقل را حذف کنیم، آنوقت باین وسیله نشان دادیم که ما قبل از  
آنکه پیروز شد باشیم سر مست شدیم. همچنین ما اجازه ندانیم که چه قبل از پیروزی، چه در اثنای پیروزی و چه بعد  
از پیروزی سر مست شویم، زیرا اگر ما سر مست بشویم همه چیز را از دست خواهیم داد.  
رضی بوخارین در رابطه با پیشنهادات شخص در واقع هیچ چیز تازه ای نگفته است، زیرا او فقط چیزها  
-ئی را که مدتهاست راجع به ملی کردن بانکها و سندیکاها گفته شده اند، تکرار میکند. رضی و... سمیرنوف در ظاهر  
نقاش، مطالب بسیار خوب و آموزنده ای در مورد مسئله تغییر شکلهایی که با تنظیم تولید و مصرف محصولات متحرک  
دارند، مطرح ساخته است. این مطالب بشکل کلی بعنوان مثال در طرح من قلاً آمده اند. در اینجا يك "وقتی"  
علیهذا" در ختم کلام آمده است. ولی در حال حاضر، از این حدیفا فراتر گذاشتن و به شخص ساختن بنا یک اقدامات  
برداشتن، منظر من، بی شرافت است. بعد از اقدامات اصولی نظام جدید، بعد از ملی کردن بانکها، بعد از درست  
گرفتن کنترل کارگران منوان برخلی چیزها بهتر نظارت کرد و تجربه زیادی درباره موضوعات جدید خواهیم آموخت،  
زیرا این تجربه ملوسها نثر خواهد بود، تجربه ای که در ساختمان مناسبات اقتصادی جدید، با شرکت آگاهانه  
ملوسها مرکب شده است. در مقالات، رسالهها، سخنرانیها، سیستم جدید را تشریح کردن، برنامههایی ارائه

دادن و آنها را ارزیابی نمودن و تحریکات ناقص محلی شو را با کمیته‌های تدارک مختلف و غیره را بررسی کردن . همه اینها در ابتدا کارهای بسیار سودمندی میباشند ، اما پیش از حد ، در برنامه چیرشما - برداشتن ، نگارند - های صوبه که حتی میتواند زبان بخش باشد زیرا وقتی ما کاملاً "براه حد بد قدم که داشته باشیم ، پاسی دستار باشد تا بتوانیم با نیروی بیشتری نظام حد بد را سازیم .



در مقاله رفیق بوخارین ، مسئله دیگری عنوان شده است که بایستی در مورد آن بحث کنیم :

"تجدید نظر در برنامه حزب باید با تهیه یک برنامه واحد برای حزب اترناسیونال پروتاریا در ارتباط

باشد ."

این مطلب با صراحت بیان نشده است . اگر اینطور فهمیده شود که بوسنده صحواهد ما را از بد برفتن یک برنامه جدید بر حد سازد و این کار را تا هنگام بوجود آمدن یک برنامه واحد اترناسیونال - یعنی برنامه اترناسیونال سوم - بتعمیل بیانند از ، در این صورت ما چنین نظریه‌ای باید بشد بد ترین وجه مخالفت شود . زیرا تا اخیر بخاطر چنین غشی ( تصور میکنم که دلیل دیگری وجود نداشته باشد ، مثلاً هیچکس بدلیل عدم آمادگی کافی مطالب حزبی ما اینطور تجدید نظر در برنامه حزب ، خواهان یک چنین تأخیری نشده است . ) در واقع معنی بتعمیل انداختن تأسیس اترناسیونال سوم ، از جانب ما خواهد بود . طبیعی است که تأسیس اترناسیونال سوم نتایج منفی بفرز برداختن به صورت ظاهر کار ، استنباط گردد . نازمانیکه انقلاب پروتاری لاطل در یک کشور به بروزی نرسیده است و یا نازمانیکه جنگ خانه نیافته است ، نمیتوان در امر فراخواندن یک کفرا اس پرک از احزاب اترناسیونالستی انقلابی کشورهای مختلف و توافق این احزاب در مورد تأسیس رسمی یک برنامه جدید "امد وار" به کام سریع و موفق آمیزی بسوی پیش بود . البته تأخیرمان باید این امر تا آنکه احزابی که اکنون در وضع بهتری از دیگران قرار دارند و میتوانند اولین قدم را بردارند ، صورت گیرد . طبیعی است که نباید اس قدم اولیه بعنوان آخرین قدم تلقی کرد و نباید برنامه خود را بهر قیمت در مقابل برنامه‌های "سار" "جیبا" ( یعنی اترناسیونالستهای انقلابی ) قرار داد بلکه بایستی وسایل تهیه یک برنامه مشترک را فراهم آورد . در حال حاضر همه جزو دسته هیچ کشور دیگری وجود ندارد که در آن اترناسیونالست ها از یک جنب آزادی تجمع بسی ای برخوردار باشند و در هیچ کجای اندازه حزب ما ، این اندازه رفقای که از حرمانات اترناسیونال و برنامه حزب خوبی واقف باشند ، وجود ندارد . باین جهت ما باید انگیزه اس کار را معیده بگیریم .

"بهنوا اترناسیونالست ها ، صنفاً" این وظیفه را معیده داریم .

ظاهراً نظر رفیق بوخارین نیز همین است زیرا او در امده ای مقاله اترناسیونالست "کتر حزبی انگه اخیراً" پایان یافت . . . . . ( این مطلب در ماه اوت نوشته شده است ) . . . . . معیر برنامه را ضروری تشخیص داده است . . . . . " و میگوید : " . . . . . باین منظور یک انگیزه خوبی بود و احوال داده شد . . . . . از این کلمات بعنوان نتیجه گیری کرد که رفیق بوخارین با امول برنامه جدید در این کشور

حزبی مخالفی ندارد .

اگر چنین باشد ، آنوقت در مورد مستلفای که مطرح است ، اتفاق نظر کامل داریم . همه ما آرزو مندیم که کنگره حزب بعد از پذیرفتن برنامه جدید ، برنامه واحد مشترک برای انترناسیونال سوم تهیه نماید و باین منظور اقدامات مشخصی بعمل آورد ، از قبیل تسریع در امر تشکیل کنفرانس چپ ها و انتشار مجموعه ای بزبانهای مختلف و تشکیل کمیته‌ای برای جمع آوری آثاری که ( بگفته صحیح رفیق بوخارین ) از طرف کشورهای دیگر ، بخاطر "تفکیک" طرق برنامه جدید ، انتشار یافته است ؛ ( تریبونیت ها در هلند ) — [ ۸ ] و چپ ها در آلمان . رفیق بوخارین قبلاً "جامعه طرفدار تبلیغات سوسیالیستی" در آمریکا [ ۹ ] را اسم برده است . میتوان به "حزب کارگر سوسیالیستی آمریکا" [ ۱۰ ] نیز اشاره کرد و یادآوری نمود که این حزب مسئله جایگزین نمودن "حکومت سیاسی بوسیله دموکراسی صنعتی" را چگونه طرح ساخته است .

علاوه بر این باید بتذکر رفیق بوخارین در مورد نقیصی که در طرح من وجود داشته است ، اشاره کنم و بدون چون و چرا آنرا بعنوان یک تذکر صحیح بپذیرم . رفیق بوخارین به قسمت مربوطه طرح من در ( صفحه ۲۳ رساله ) — که درباره وضع موجود روسیه و حکومت موقتی سرمایه داران و غیره میباید — استناد میبرد . وقتی رفیق بوخارین این قسمت را مورد انتقاد قرار داده و میگوید که این مطلب باید در قطعنامه ناکتیک و پلاکات حذف گردد ، حق بجانب است و باین جهت پیشنهاد میکنم که یا تمام بند آخر از صفحه ۲۳ که "حذف گردد و یا آنکه بشرح زیر تنظیم شود :

"حزب پرولتاریا در تلاش خود بخاطر بوجود آوردن نظام حکومتی ای که هم بطور اعم توسعه اقتصاد ی و هم حقوق مردم را تضمین نماید و هم بطور اخص امکان آنرا فراهم آورد که سوسیالیسم حتی القدر در بدون دردسر استقرار یابد ، نمیتواند خود را به . . . . . محدود سازد" و قس علیهذا .

و بالاخره در اینجا باید به مسئله ای که برخی از رفقا مطرح کرده اند — ولی تا آنجا که من میدانم در نشریات ما منعکس نشده است — اشاره کنم و بآن پاسخ بدهم . این مسئله مربوط به ماده ۹ برنامه سیاسی یعنی حق حاکمیت طنهایت . این نکته از دو بخش تشکیل مییابد : بخش اول ، فرمولبندی جدیدی از حق حاکمیت است و بخش دوم در برگزیده مطالبه ای نیست بلکه شامل یک بیان توضیحی میباید . سئوالی که از من شده اینست که آیا جای یک بیان توضیحی در آنجاست ؟ بطور کلی جای بیانات توضیحی در برنامه نیست ولی بنظر من در اینجا استثناً در قانون الزام آور بوده است . بجای واژه حق حاکمیت — که بدفعات مکرر موجب تفسیرهای غلطی شده است — مفهوم کاملاً روشن و دقیقی را قرار میدهم : "آزادی حق جدائی" . بعد از تحریکات نیم سال انقلابی ۱۹۱۷ ، بدشواری میتوان انکار کرد که حزب انقلابی پرولتاریای روسیه ، حزبی که در فعالیت های خود از زبان روسیه کثیر استفاده میکند ، موظف است که حق جدائی را محترم بشمارد . ما بعد از آنکه قدرت را بدست گرفتیم بدون فید و شرط ، بیدرنگ این حق را برای فنلاند ، اوکراین ، ارمنستان و



هر طیت دیگری که تحت شتم تزاریم ( وجودی روسیه کبیر ) قرار دارند است ، فائز خواهد بود ، اینست  
 ما بسهم خود بهیچ وجه مایل به حدائی هستیم . ما خواهان يك کشور حق الامکان بودک ، يك پیوند حق  
 الامکان نزدیک میان تعداد حق الامکان بیشترى از ملت هاىی که در همجواری اهالی روسیه کبیر زندگی  
 میکنند ؛ هستیم . ما خواهان يك وحدت انقلابی پرولتورى هستیم ، خواهان اتحاد م به حدائی . ما خواهان  
 يك اتحاد انقلابی هستیم و باین جهت شعار اتحاد همه و بطور کبیر ، اتحاد ما هر کشورى را مطرح می کنیم ،  
 زیرا انقلاب اجتماعی فقط اتحاد آن کشورهاىی را که به سوسیالیزم برآمده و ما خواهد بود و همبسیار  
 مستعمرانى را که برای کسب آزادی خود تلاش میکنند ، در دستور کار خود قرار میدهد . ما خواهان اتحاد  
 آزادانه هستیم و باین جهت موظفیم که آزادی حق حدائی را محترم بشماریم ( اتحاد بدون آزادی حق حدائی  
 نمیتواند يك اتحاد آزاد تلقی گردد ) . از آنجا که ملت های هموار ما در برابر اقدامات ستمگرانه تزاریم  
 وجودی روسیه کبیر ، انزجار و عدم اعتماد شدیدی نسبت به اهالی روسیه کبیر پیدا کرده اند ، لذا ما بهراتسب  
 بیشتر موظف هستیم که این آزادی حق حدائی را محترم بشماریم ، این عدم اعتماد را فقط میتوان توسط عمل  
 از بین برد و نه بوسیله حرف .

البته ما خواهان اتحاد هستیم و این مطلب را باید ابراز نمائیم . همچنین دگر يك حکومت واحد  
 مرکب از طیت های مختلف ، در برنامه ، بقدرى واجب اهمیت است که بحاظ آن بایستی از موازین متعارف صرف  
 نظر کرد و بیک بیان توضیحی پرداخت . ما خواهان آن هستیم که جمهوری خلق روسیه ( من حقى ار آن ابائی  
 ندارم که بگویم : خلق روسیه کبیر زیرا این صحیح تر است ) ، حلق های دیگر را بسوى خود بکشاند . اما چه  
 وسیله ؟ نه با توسل بقتل بلکه صرفاً بوسیله يك اتحاد اختیاری . در غیر اینصورت وحدت و اتحاد برادرانه  
 کارگران همه کشورها از میان خواهد رفت . برخلاف دموکرات های بورژوائى ، شعار ما برادری ملت ها  
 نیست بلکه برادری کارگران همه ملت ها است ، زیرا ما به بورژوائى هیچ کشوری اعتماد نداریم و آنها را دشمن  
 خود تلقی میکنیم .

## ۹

طالب بالا ، شماره ۳۱ - رابوچی پوپ - حاوی مقاله رفیق لاریس مطالبات کارگری برنامد ما -  
 منتشر گردد ، نوشته شده بودند . انتشار این مقاله را باید بعنوان شروع واحد در مورد طرح برنامد در  
 ارگان مرکزی خود ، شاد باش بگوئیم . رفیق لاریس خصوصاً بآن قسمت از برنامد که در مورد اتحاد سوسیالیستی  
 نداشته ام ، پرداخته است . طرح مربوط به اس صفت از برنامد فقط سنگی است که از طرف کمیسون رفیق  
 حساب کارگران - یعنی کمیسیون که در کفرانس ۲۴ تا ۲۹ آوریل ۱۹۱۷ - شکل یافته است . از آن جمله است ،  
 رفیق لاریس يك سلسله پیشنهادات رسمی را مطرح ساخته است که بطرف من گام داشته است . ما در سلسله  
 متاسفانه او در تمام موارد آنها را دقیقاً قبول میدی نکرده است

نظرم رفق لارین در فرموله کردن نکات زیر با عدم موفقیت مواجه شده است: "تقسیم صحیح (۴) نیروی کار بر صنای (۴) خود مختاری و سوکراتیک (۴) کارگران و در رابطه با داشتن اختیار (۴) در مورد شخص خودشان (۴) - "بعقدہ من این فرمول بندی بد تر از فرمول بندی "کمسیون فرعی" است که مگوید: "بازارهای بورس کار باید تشکلات طبقاتی پرولتاریا باشند" و غیره (نگاه کنید به صفحه ۱۵ - "اسناد") - از این گذشته، رفق لارین میبایستی پیشنهادش در مورد مسئله حداقل دستمزد را مشروح تر تهیه میکرد و رفق تر فرموله مینمود. و باین معنی که آنها را با تاریخچه نظریات مارکس و مارکسیسم در مسعود این نکته پیوند میداد.

رفیق لارین معتقد است که بخش‌هایی از برنامه که در رابطه با مسائل سیاسی و کشاوری میانند بایستی "بدقت اصلاح گردند". شایسته است که نشریات حزبی ما، بحث درباره مسئله فرموله کردن این یا آن مطالبه را بیدرنگ آغاز نمایند و بهیچ وجه آنها را هنگام برقراری کنگره بنحویق نیاندازند. زیرا در غیر اینصورت اولاً کنگره حزب آمادگی کافی را نخواهد داشت و ثانیاً هر کس که فرصت آنها داشته است که روی برنامه و قطعنامه‌ها کار کند، میداند که تدوین رفق فرمولبندی یک نکته مشخص چه بسا ناروشتی‌ها اصولی و بی‌اختلاف نظرهایی را کشف کرده و بر طرفی میبازد.

و بالاخره رفق لارین در بخشی مربوط به مسئله اقتصاد مالی برنامه مینویسد: "در اینجا یک فضای تقریباً خالی وجود دارد و حتی ابطال قرضه‌های جنگی و بدعکارهای حکومتی تزارسم نیز مطرح نشده است" (فقط تزارسم ۴)؛ و مبارزه علیه استفاده قانونی از خزانه انحصارات دولتی و غیره عنوان شده است. خیلی خوب است که رفق لارین پیشنهادات شخص خود را تا زمان کنگره حزب بنحویق نیانداخته بلکه بلافاصله آنها را ارائه داده است زیرا در غیر اینصورت امکان یک تدارک حادی، حاصل نمیکردید. در رابطه با ابطال بدعکارهای حکومتی (طبعاً نه فقط در رابطه با تزارسم بلکه همچنین در رابطه با بورژوازی) باید مسئله طلب کاران کوچک بدقت مورد مذاقه قرار گیرد، در حالیکه در رابطه با "مبارزه علیه استفاده قانونی از خزانه انحصارات دولتی" باسنی دید که وضع انحصار تولید انبساطی تعطیل چگونه است و نکته مورد نظر را چگونه باید با مطالبات برنامه در مورد لغو تمام مالکیت‌های غیر مستقیم، مربوط ساخت.

تکرار میکنم: بخاطر اطمینان نسبت به تدارک حادی برای برنامه و بخاطر آنکه واقعاً تمام حزب در انصود همکاری نماید، باید تمام افراد علاقمند بیدرنگ دست بکار شوند تا هم نظریات آنها و هم طرح‌های مشخص در مورد آن نکاتی که تا کنون فرمولبندی شده‌اند و در برگزیده پیشنهادات تریبی و یا تغییراتی میباشند، منتشر گردند.

### یادداشت ها

۱. "برنامه ایگزاساخ" ( برنامه واساخانه حزب کارگرسوسیال دمکرات ) در کتبه عمومی کارگری سوسیال دمکرات آلمان که از ۲۷ تا ۹ اوت ۱۸۶۹ در شهر ایگزناخ برگزار شد - تصویب رسید . در این کتبه کسسه نمایندگان اتحادیه های کارگری مختلف آلمانی زبان اتویش و سوهر نیز در آن شرکت داشتند . حزب کارگری سوسیال دمکرات آلمان بنیان گذاری شد . باین ترتیب طبقه کارگر آلمان دارای حزب سابقاتی مستقل خود گردید که بر بنیاد اصول سوسیالیسم علمی استوار بود . این حزب در اثر سازماندهی که تحت تاثیر مارکس و انگلس بر طبقه ایگزونیزم لاسال صورت گرفته بود ، وجود آمد و برنامه آن سرشار از روح انترناسیونال اول بود . رهبران و اعضای این حزب "ایگزناخی خوانده" میشدند . ص ۲ .

۲. "مارات برلینی" . اشاره طنزآمیز به ویلهلم هاگلمان سردبیر روزنامه "سوسیال دمکرات نو" ارگان اتحادیه عمومی کارگران آلمان است که تحت نام "تیر لاسال بزود ویاثغای ویلهلم لیب" کشت برنامه گسارانه به نام "ناسیونال اول و جنبش کارگری در آلمان" بود که در زمان انقلاب فرانسه یکی از رهبران برجسته جمعیت وانگوبیان

آوردن "سالک متحد" اروپا" میتوان به جنگها پایان داد و این شعار موجب توهمات و تصورات غلطی گردید .  
 نتیجه پرولتاریا را از مبارزه طبقاتی منحرف ساخت .  
 ص ۱۲۰

۳. "آلبه" . نشریه ماهانه فرانسوی که از ۱۸۴ تا ۱۸۵ در پاریس منتشر میشد . این نشریه ارگان بینگسرهبران و کارگرانی بود که تحت تاثیر ایده های سوسیالیسم مسیحی قرار داشتند . این روزنامه وسیله نمایندگی گساران کارگران تهیه میشد و همیشه تحریریه آن هر سه ماه یکبار از نو انتخاب میگردد . ص ۱۵

۴. "مبارزه فرهنگی" : در سالهای هفتاد قرن نوزدهم "بیستارک ماتوسل" به تصبیقات علمی "تلیفاتی تحت عنوان "مبارزه فرهنگی" بر طبقه آلمانی کانولیک و حزب کانولیک های آلمان - حزب سنفروم - بر راه انداخت . این

اقدام بسیار آن که عمدتاً با طر انحراف کارگران از برداختن به وظایف مهم انتقالی و مبارزه طبقاتی بود. آنکه تنها سطحی و آمیخته بدو بود بلکه تاثیر معکوسی نیز بر جای گذاشت. م. م. ۱۹۰

۶. منظور آن بیانیه کمیته مرکزی حزب سوسیال دموکرات روسیه است که در فوریه ۱۹۰۶ تحت عنوان "خطاب

به حزب" انتشار یافت و حاوی تحریک و تحلیل‌های در مورد مسائل مربوط به فراخوانی کنگره چهارم بود. م. م. ۸۰

۷. از آنجا که بویزه قبل از کنگره چهارم (کنگره وحدت) در حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه اختلاف

نظرهای شدیدی بر سر مسئله ارضی در گرفته بود، کمیته متحد مرکزی کمیونی تشکیل داد. که انجمن

نیزه آن بود. و با این کمیسیون ماحولیت داده شد که در راه‌های با این مسئله طرحی برای ارائه به کنگره حزب

آماده نماید. کمیسیون مزبور کمیته نظر یاتی را که سوسیال دموکراتهای روسیه در آنزمان در مورد مسئله ارضی

داشتند در چهار طرح اصلی تدوین کرد و کنگره حزب ارائه داد. اکثریت اعضای کمیسیون از موضع‌گرایان پشتیبان

کردند و آنرا بعنوان طرح اکثریت کمیسیون ارضی به کمیته متحد مرکزی حزب تقدیم نمودند. م. م. ۸۰

۸. "تربیت‌گشت‌ها". بآن عده از اعضای حزب سوسیال دموکرات هلند اطلاعی می‌شد که در روزنامه‌ها

"دورترین" گرد آمده بودند. تربیت‌گشت‌ها اجنح چپ جنبش کارگری هلند را تشکیل می‌دادند و در راه‌های

جنگ جهانی اول عمدتاً از مواضع انترناسیونالیستی طرفداری می‌کردند و در ۸ ۱۹۱۱ حزب کمونیست هلند را بوجود

آوردند. م. م. ۱۲۵

۹. "جامعه روح تبلیغات سوسیالیستی": در ۱۹۱۱ بعنوان یک گروه مستقل در داخل حزب سوسیال

آمریکادریوستو "نا" سیر گردید و نیروهای انقلابی جنبش سوسیالیست آمریکا را تشکیل داد. در اثنای جنبش جهانی اول

حزب سوسیالیست کارگری آمریکا دارای گرایشهای انترناسیونالیستی بود و بعد از انقلاب اکثر گروهی از فعالین

آن حزب کمونیست آمریکارانا" سیر کردند. م. م. ۱۲۵

## فهرست منابع

صفحه	جلد	موضوع	موضوع
			نقد بر برنامه گما
۳۰ - ۱۵	۱۹	مارکس	پیش‌نویس برنامه حزب سوسیال دمکرات آلمان
۵۹۸ - ۵۹۶	۲۲	کائوتسکی	نقد بر پیش‌نویس برنامه سوسیال دمکراسی
۲۴۰ - ۲۲۷	۲۲	انگلس	تذکراتی بر پیش‌نویس برنامه پله خانف برای حزب
۱۱ - ۳	۶	لنین	پیش‌نویس برنامه حزب سوسیال دمکرات آراگری روسیه
۱۹ - ۱۲	۶	لنین	سه تصحیح بر پیش‌نویس برنامه حزب
	۶	لنین	تذکراتی بر پیش‌نویس برنامه دوم پله خانف برای حزب
۴۳ - ۲۲	۶	لنین	ارزیابی پیش‌نویس دوم پله خانف برای برنامه حزب
۱۶ - ۱۴	۶	لنین	پسگفتار در بهبود مسئله مبارزه طبقاتی
۱۳ - ۱۲	۶	لنین	در باره تاریخچه برنامه حزب
	۸	لنین	گزارش در باره سومین کنگره حزب
۱۴۷ - ۱۴۳	۸	لنین	پلاتفرم فاکتیک در باره کنگره وحدت
۱۵۶ - ۱۴۹	۱۰	لنین	در باره نتایج کنگره حزب (کنگره وحدت)
۳۹۹ - ۳۹۶	۱۰	لنین	پلاتفرم سوسیال دمکراسی انقلابی
۲۱۰ - ۱۹۹	۱۲	لنین	در باره تعدید نظر در برنامه حزب
۱۶۵ - ۱۳۵	۲۶	لنین	

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)





از انتشارات  
سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران